



بهبود روابط آمریکا و روسیه به نفع ما است. چه بسا همان طور که گفتیم حل مشکلات واشنگتن و مسکو بتواند موضع آمریکا در قبال ایران را تعدیل کند. مجموع اتفاقاتی که در حال وقوع است برای ایران دارای فرصت‌های بیشتری است تا تهدید. البته به شرط اینکه ما بتوانیم در این بازی شطرنجی که بین قدرت‌های بزرگ در جریان است به خوبی بازی کنیم

هویت ملی ایران بوده که معقول و مقبول است.

من فکر می‌کنم یک ایرانی پیدا نمی‌کند که ایران تضعیف شده فتح‌علیشاهی را پسندد و خوشحال باشد که سفیر روس و انگلیس به ایرانی‌ها امر و نهی کنند. ایرانیان ممکن است که آرای مختلفی در مورد نظام سیاسی و شیوه حکمرانی داشته باشند ولی، من فکر می‌کنم، یک ایرانی در درجه اول یک جمهوری اسلامی ایران قدرتمند و مستقل را ایده‌آل می‌داند. سپس یک ایران مرفه و پیشرفته، متعامل و منطقه‌ای را در ذهن خود دارد. ایرانی که بتواند جایگاه تاریخی‌اش را در داخل، در منطقه و نظام بین‌الملل بازباید و برپایه آن نقش شایسته خود را ایفا کند. این نقش‌آفرینی معلول درهم تنیدگی منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی ایران به واسطه تداخل ژئوپلیتیکی محیط داخلی، منطقه‌ای و جهانی آن است.

مدیریت روابط بین‌الملل ایران بسیار پیچیده، چند بعدی و چند وجهی است. یعنی ایران زمانی که می‌خواهد در نظام بین‌الملل کنشگری کند مثل این می‌ماند که یک شطرنج بازی بخواهد همزمان با چند شطرنج باز دیگر بازی کند. بازی ما الان با قدرت‌های بزرگ است. بنابراین یک جمهوری اسلامی ایران مقتدر، مستقل، متعامل، مرفه و پیشرفته، و منطقه‌ای، ایده‌آل‌های مطلوب جامعه ایران است. لازمه چنین ایده‌آل‌هایی این است که ایران فراتر از پیگیری منافع در چهارچوب مرزهای ملی خود عمل کند. بحث من توسعه‌طلبی نیست بلکه انبساط قدرت و منافع ملی ایران است. یعنی ایران ذاتاً یک قدرت منطقه‌ای است و تقریباً همه ایرانیان این را لازم می‌دانند. حتی با تغییرات در نظام سیاسی ایران هم این ایده‌آل تغییر نکرده است. تعقیب و تأمین این ایده-آل و آرمان، در قالب راهبرد دفاع فعال یا

روایت ایران تضعیف شده نادرست است. حالا ما در مقابل باید چه کار کنیم؟ به نظرم ما باید بر سیاستی مبنی بر «میم» تأکید و اقدام کنیم: ۱- ایران مقتدر، هرگونه ارسال پالس ضعف به نفع ما نیست. ۲- ایران مسالمت جو ۳- ایران مسئولیت پذیر. این موارد می‌تواند روایت ایران تضعیف‌شده، ترسناک و تعهدگریز را خنثی و باطل کند. در نتیجه الان ترامپ هم می‌تواند منشأ تهدید باشد و هم منشأ فرصت. من معتقدم بهبود روابط آمریکا و روسیه به نفع ما است. چه بسا همان طور که گفتیم حل مشکلات واشنگتن و مسکو بتواند موضع آمریکا در قبال ایران را تعدیل کند. مجموع اتفاقاتی که در حال وقوع است برای ایران دارای فرصت‌های بیشتری است تا تهدید. البته به شرط اینکه ما بتوانیم در این بازی شطرنجی که بین قدرت‌های بزرگ در جریان است به خوبی بازی کنیم. این نکته بسیار مهمی است. ما باید از فرصت روابط حسنه و حتی راهبردی خود با چین و روسیه برای تأمین منافع ملی خودمان استفاده کنیم. دستیابی به این هدف نیز مستلزم اتخاذ یک سیاست خارجی فعال در قبال آمریکاست نه سیاست انفعالی و واکنشی.

«به عنوان آخرین سؤال، موضوع نظام‌های جهانی طی سال‌های اخیر از فضای نخبگانی به حوزه عمومی رسوخ پیدا کرده است به عنوان نمونه در آمریکا که بحث‌های مربوط به ایده آل جامعه درباره رویکرد «جهان وطن‌گرایی» یا «انزواگرایی» که شما به مبانی نظری آن اشاره کردید مطرح است. به طور خاص پیش از یک قرن است که ایران با «نظام بین‌الملل پسا وستفالیایی» در ارتباط مستقیم بوده، فراز و فرودهای زیاد، تجارب و عبرت‌های فراوانی هم در این مسیر طی شده، مشاهده کرده است. با توجه به اینکه شما در حوزه «روابط بین‌الملل ایرانی» و پیوند اندیشه ایرانی با نظام بین‌الملل به خصوص بحث «فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل» پژوهش فراوانی انجام داده و دارای تألیفاتی هم هستید، به نظر شما ایده آل امروز جامعه ایران در مورد نظام بین‌الملل مطلوب و جهت‌گیری درست در سیاست خارجی چیست؟

اولاً ایرانی‌ها دارای خصلت «استثنا گرایی» هستند. ایرانیان در طول تاریخ همیشه فکر می‌کردند و می‌کنند که مردمان و ملتی استثنایی هستند. به نظر من در طول تاریخ ایران این اندیشه جریان داشته است. حالا این احساس گاهی ممکن است به ملی‌گرایی یا حتی شتون‌سیسم و نژادپرستی نزدیک شود که پسندیده و پذیرفته نیست. گاهی هم عامل تأکید بر منافع ملی و تقویت

پیشگیرانه تحقق می‌یابد.

در قبال از انقلاب، ایران با توجهات متفاوتی می‌خواسته ژاندارم منطقه باشد. الان جمهوری اسلامی ایران درصدد این نیست که در منطقه نقش ژاندارم ایفا کند. اما ژئوپلیتیک ایران، سباز ایران و ایده‌آل‌های ایرانیان ایجاب می‌کند که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، مستقل و مقتدر وجود داشته باشد. این پنج ویژگی یعنی ایران مقتدر، مستقل، متمم، و توسعه یافته، متعامل، و منطقه‌ای از مؤلفه‌های اصلی هویت واحد سیاسی به نام ایران است.

این موضوع بسیار مهمی است که ما یک «روحیه ملی» و یک «آرمان ملی» داشته باشیم که در تاریخ هم محقق شده باشد. ما ایرانی‌ها «امپراطوری چند ملیتی» تشکیل داده بودیم و یکی از پایه‌های تمدن اسلامی هم ایرانیان بودند. این خودآگاهی تاریخی به ایران و ایرانی اعتماد به نفس می‌دهد که اکنون نیز برپایه آن بیندیشد و اقدام کند.

بنابراین ترجیح هیچ ایرانی یک کشور وابسته، ضعیف، عقب مانده، محصور و منزوی نیست. ما هم باید در تئوریزه کردن روابط خارجی و سیاست خارجی ایران این عناصر را با هم ببینیم. (جمهوری اسلامی ایران مقتدر، مستقل، متعامل، توسعه یافته و منطقه‌ای)

بعضی از نخبگان تنها بر مؤلفه توسعه اقتصادی و منافع رفاهی تأکید دارند ولی همه ایده‌آل ایران این عنصر و آرمان نیست. همزمان با توسعه اقتصادی، ایران باید مقتدر، مستقل، متعامل و منطقه‌ای باشد. ایران باید به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نقش فعالی را در منطقه ایفا کند. ایران را نمی‌توان و نباید در درون مرزهای جغرافیایی محدود و محصور کرد. سقف پرواز ایران ذاتاً فراتر از ایران جغرافیایی امروز است. ایران فرهنگی و تمدنی را باید دریافت. استقلال اینجا به معنای انزواگرایی نیست؛ بلکه تعریف استقلال این است که ایران بر اساس منافع ملی‌اش با دیگران تعامل و همکاری کرده و حتی هم پیمان شود. پس استقلال به معنای انزوا نیست. هیچ یک از عناصر هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران با انزواگرایی سازگاری ندارد. فرهنگ، دین و انقلاب اسلامی ایران هر سه فراملی هستند؛ ایران نیز یک کشور بین‌المللی است. بنابراین، در تدوین و ترسیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این پنج ضلعی را باید تئوریزه و موجه کرد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند نقش تاریخی خود را به خوبی ایفا کند. جمهوری اسلامی ایران مقتدر، مستقل، مرفه و پیشرفته، متعامل و منطقه‌ای ایده‌آل گذشته، حال و آینده ماست. ♦